

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لزوم

شناخت دین و پیشوایان

دوره، هفتم، شماره یک

نام جزوه: لزوم شناخت دین و پیشوایان  
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

## فهرست مطالب

عصر ما و مشکل ناآشنایی.....	۵
شناخت پیشوایان.....	۱۷
خطرهای دیگر.....	۲۳

دوره هفتم، شماره یک / ۵

## عصر ما و مشکل ناآشنایی

چرا اسلام، پیروز که در قلب پیروان نخستین خود گرمی‌ها می‌آفرید و آنان را با روحیه‌ای نیرومند و سرشار به تحرک و تلاش برمی‌انگیخت، به ما آن جنبش و جوشش را نداده است؟

چرا بیشتر افراد جامعه و حتی آنان که مدعی روشن‌فکری و انقلاب و تحولند تنها به نامی و شعاری دل‌خوش و سرگرمند و فریب پدیده‌های پوک و بی‌مغز را خورده‌اند و از واقعیت‌دین بازمانده‌اند؟

۶ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

به راستی ما در این عصر با مشکلات ناآشنایی نسل موجود روبرویم، ناآشنایی با روح اسلام، قرآن و واقعیات مذهب.

یکی اسلام را تنها در چارچوب پیشرفت اقتصاد توجیه می کند، دیگری خسته از تفرقه امت چون دست کوتاهش بر نخل بلند وحدت اسلامی نمی رسد، ناچار عقده را با کوبیدن هر چه بیشتر «شیعه» خالی می کند.

می بینیم که مردم در اثر ناآشنایی با حقایق مذهب به مطالب وارونه و مسخ شده اینان دل می بندند و از حقیقت دین روزبه روز بیشتر فاصله می گیرند.

قرآن به ما چنین می آموزد:

دوره هفتم، شماره یک / ۷

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا  
فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ  
يَحْذَرُونَ»!

«چرا از هر گروه، عده ای برای آموختن و  
شناختن دین کوچ نمی کنند؛ تا در بازگشت، به  
هدایت قوم خود پردازند و آنان را از نافرمانی خدا و  
بی دینی بیم دهند، شاید آنان پرهیزند».

کلمه ی «تَفَقَّهَ» که در این آیه به کار گرفته  
شده، یعنی درک همراه با بصیرت که مطلوب اسلام  
است و دیگران نیز تا آشنا نشوند و درک نکنند، بیمی  
از نافرمانی خدا نخواهند داشت.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) و آشنا کردن پیروان

## ۸ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

پیامبر (صلی الله علیه وآله) با شناختی کامل به سوی حق دعوت می‌کرد. از آغاز بعثت پیروان خویش را با حقایق دین آشنا می‌ساخت. به شناخت‌های سطحی قناعت نمی‌ورزید؛ هر مسلمان را بر آن می‌داشت که از ابتدا فهمیده ایمان بیاورد، و چه دقیق است این موضوع که بدون استثنا به هر که «لا اله الا الله» می‌آموخت، همراه آن اعتقاد به «محمد رسول الله» را نیز ضروری می‌دانست؛ چراکه دین در پیشوای الهی خلاصه می‌شود و «پیامبر» و «امام» نماینده و خلیفه خدا در زمین‌اند، و اگر کسی وابستگی عقیده‌ای به پیامبر نداشته باشد، هرچند «الله، الله» هم بگوید دین‌دار نیست... یعنی شناخت اصیل پیشوا لازم است و عشق به او و اطاعت و

دوره هفتم، شماره یک / ۹

تسلیم در برابر او، و این پیام قرآن است که «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ...»<sup>۱</sup>.

و این شناخت، راه پیامبر است که خود به فرمان خدا می فرمود: «هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ...»<sup>۲</sup>؛ این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم...».

پرورش یافتگان او - آنان که به راستی پیرو او بودند و از او فرمان می بردند و دین را از او می آموختند، در اندیشه و گفتار به او شبیه بودند و از دیگران ممتاز، درست می اندیشیدند و خوب درک

---

۱. سوره تغابن، آیه ۱۱.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

## ۱۰ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

می‌کردند و به هنگام عمل، بی‌هیچ کاستی همه وظایف را به‌جا می‌آوردند. به پیامبر عشق می‌ورزیدند و در راه نگه‌داری و دفاع از او و آیین نوخاسته اسلام سر از پانمی شناختند. تحمل‌شان در شکنجه‌گاه‌ها و ایستادگی‌شان در میدان‌های نبرد و پایمردی‌شان در جان باختن و خود را سپر بلا ساختن شگرف بود. سختی و راحتی، هدف را برایشان گم نمی‌کرد، و امید بزرگشان هرگز تبدیل به یأس نمی‌شد، و رسالتشان هرگز از یاد نمی‌رفت. ...

«حُبَيْبُ بْنُ عَدِيٍّ» مسلمانی حقیقت یافته و دین‌داری سر از جان برتافته بود، به جرم پیروی و دفاع از اسلام، مشرکان مکه به دارش آویختند، تنها خواسته‌اش در پای دار، گزاردن دو رکعت نماز بود،

دوره هفتم، شماره یک / ۱۱

و چون نماز را به جای آورد به دژخیمان گفت: «به خدا سوگند اگر مرا بیمناک از مرگ نمی‌پنداشتید، بیشتر نماز می‌خواندم».<sup>۱</sup>

پیکر پاکش را بالا کشیدند و او آخرین نیایش را چنین بانگ برداشت:

«خدایا! ما رسالت پیامبر تو را رساندیم، تو نیز صبحگاهان آنچه بر ما رسید بدو ابلاغ فرما، خدایا! این دژخیمان را به شماره گیر و نابودشان ساز و هیچ‌یک را فرومگذار... خدایا! تو می‌دانی پیرامونم کسی نیست تا سلامم را به پیامبر تو برساند تو خود سلام مرا بدو برسان».<sup>۲</sup>

---

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. بحارالانوار، ج ۲۰، ط جدید، ص ۱۵۳.

«زَیْدِ بْنِ دُثْنَةَ» جوان مردی بود که در زیر شکنجه های حیوانی قریش جان داد. در لحظات دشوار شکنجه، «ابوسفیان» از او پرسید «آیا دوست نداری اکنون محمّد به جای تو بود و ما گردنش را می زدیم و تو نزد زن و فرزندت راحت بودی».

چهره پردرد «زید» از سخن دشمن برافروخت و باخشم گفت: «به خدا سوگند دوست ندارم خاری به پای محمّد (صلی الله علیه وآله) برود و من در خانه آسوده نشسته باشم...».

دهان دژخیمان از شگفتی بازماند و ابوسفیان گفت، «هرگز کسی رانیدم که همچون محمّد، پیروانش او را دوست بدارند»<sup>۱</sup>.

دوره هفتم، شماره یک / ۱۳

این محبت ها و عشق ها، محبت به حق بود و عشق به فضیلت، و ثمره شناسایی راستین پیامبر و تشخیص این حقیقت که او نماینده حق و نجات دهنده واقعی همه انسان ها است.

برای پرورش چنین رادمردانی بود که پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله)، سیزده سال در مکه با رنج های جان کاه توجهش را به آشنا ساختن گروندگان معطوف می داشت و عملاً به آنان می آموخت که نخستین وظیفه، آشنایی با روح اسلام و دین است. در مدینه نیز همین روش را دنبال کرد، و آنان که جانی آماده پذیرش داشتند چنان پرورش یافتند که خود هر یک مبلغی بزرگ شدند و در قبایل دور و نزدیک، به رساندن پیام پیامبر کوشیدند.

هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمان جهاد می داد همه یاران - جز گروهی منافق و ترسو - جان برکف و شمشیر بیرون آمده از نیام برمی خاستند و باایمان به ایده و هدف خویش از هیچ خطری نمی هراسیدند.

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام)، که خودسر حلقه این جانبازان و خالص ترین آنها بود، در معرفی آنان می فرماید: «وَحَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ!»<sup>۱</sup> بینش ها و شناخت های روشن خود را بر شمشیرهایشان حمل می کردند» یعنی کشتن و کشته شدنشان کورکورانه نبود. برای هوا و هوس زمام داری خودسر و یا رهبری گمراه نمی جنگیدند.

---

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰، ص ۴۵۱.

دوره هفتم، شماره یک / ۱۵

فریب خیالات خام چند مدّعی دروغین اصلاح جامعه را نخورده بودند، بلکه برای اجرای فرمان خدای جهان و به پیروی از پیامبری راستین شمشیر می‌کشیدند و نیز به فرمان همان پیامبر شمشیر درنیام می‌نهادند... افسوس که در دوران زمام داری بسیاری از خلفا این رسالت از یاد رفت، شمشیرها بیش از آن‌که برای خدا باشد برای دنیا به کار گرفته شد و نیروهایی که می‌بایست دشمن رارام سازد برای کوبیدن دوست بسیج شد و امت به جای فرمان بردن از تعلیمات پیامبر و پیروی از رهبر راستین، به جلب نظر زمام داران وقت پرداخت و زمام داران هم، چون به حق و به فرمان پیامبر بر مسند زمام داری ننشسته بودند، جز تظاهری به اسلام، مرام دیگری نداشتند و

بدین گونه، بدعت‌ها آغاز و اسلام واقعی کنار گذاشته شد. و می‌بینیم که با همه کشورگشایی‌ها، مسلمانان روزبه‌روز از مسیر واقعی خود منحرف‌تر شدند، و دیگر این اندیشه که باید به تازه‌مسلمانان، روح اسلام را تعلیم داد از بین رفت. و دیری نپایید که به جای مسلمانان آگاه و فداکار، گروه‌هایی ناآشنا و ظاهربین و قشری پیدا شدند، تا آنجا که قرآن بر گردن آویخته داشتند و بر روی امیرمؤمنان، علی (علیه السلام) شمشیر می‌کشیدند... .

علی (علیه السلام) درباره این گروه - و کسانی که در هر زمان با آنان هم‌فکرند - چنین می‌فرماید:  
«درشت‌خویانی بودند اوباش و بنده‌صفتانی  
رذل، که از گوشه و کنار گرد آمده و ریشه و نسبی

دوره هفتم، شماره یک / ۱۷

آمیخته و ناخالص داشتند، کسانی که می‌بایست نخست دین را به آنان آموخت و تأدیشان کرد و تعلیمشان داد و به تمرین واداشتشان و سرپرستی بر آنان گماشت و دستشان را گرفت...»<sup>۱</sup>؛ یعنی نادان و گمراه بودند و شایسته آن که درباره اسلام اظهار نظر کنند نبودند و نمی‌بایست آزاد و خود مختار باشند.

### شناخت پیشوایان

آری باید پیشوایان را شناخت، شناختی عمیق که به شناسایی تمام ویژگی‌های اندیشه، عقیده و عمل آنان بیانجامد، چراکه چنین شناختی می‌تواند عاملی باشد که پیروان را به سوی آنان کشانده و علاقه‌مند و مشتاقشان سازد.

---

۱. نهج‌البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۳۸، ص ۸۱۴.

## ۱۸ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:  
«مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!»  
آن که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد به  
مرگ جاهلیت مرده است.»

شخص ناآشنا به امام چون کسی است که از  
محیط دیانت و فرهنگ اسلامی به دور افتاده و چونان  
مردمان دوره جاهلیت در نادانی و بی دینی زیسته  
است؛ زیرا شناخت امام، مسلمان را به فرازهای بلند  
دین رهنمون می شود و رهبری های او، نادان را از  
محیط نادانی به هدایت و دانایی می کشاند، و اساساً  
ایمان استوار به خدا و رسول (صلی الله علیه وآله)، به  
شناخت امام و اطاعت از او بستگی دارد؛ زیرا او

دوره هفتم، شماره یک / ۱۹

بیان‌کننده حقایق و معارف الهی و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است. و به همین جهت بدون شناخت امام، ایمان به خدا و پیامبر میسر و مفید نخواهد بود....

ششمین پیشوا، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بنده، مؤمن نیست تا خدا و پیامبر و همه امامان و امام زمان خویش را بشناسد و به او رو کند و تسلیم او باشد».

سپس فرمود: «چگونه امام بعد را می‌تواند بشناسد در حالی که امام پیشین را نشناخته باشد»؛<sup>۱</sup> یعنی شناخت هر یک از امامان، به راهنمایی‌های امام

۲۰ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

پیش تر بستگی دارد. بنابراین، باید همه امامان را شناخت تا امام و پیشوای عصر شناخته شود.

و نیز همان گرامی به گروهی می فرمود: «از شایستگان نیستید تا «حق» را بشناسید».<sup>۱</sup> و همین شایستگی که ثمره شناخت راستین و ریشه دار است، پیروان را به رستگاری و پیروزی می رساند.

امیرمؤمنان، علی (علیه السلام)، این حقیقت را چنین بیان می فرماید: «... به بهشت در نمی آید جز آن کس که ما را شناخته باشد و ما نیز او را شناخته باشیم».<sup>۲</sup>

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶ و ص ۱۸۴، ح ۹.

۲. همان.

دوره هفتم، شماره یک / ۲۱

بنابراین، برای ارزیابی اجتماعمان و برای آن که بدانیم آیا نسل ما و جامعه ما امام خویش را شناخته است یا نه، باید بررسی کنیم که آیا جامعه به شایستگی رسیده است؟ آیا از جهالت‌ها رهایی یافته، از مفاسد اخلاقی و پلیدی انحراف‌ها خود را پاک ساخته، به دانش و اندیشه و خوی‌های ستوده و روشنی هدایت دست یافته است؟

می‌بینیم این‌طور نیست؛ همه مدعی‌اند که مسلمان‌اند، اما درخشندگی‌های اسلام در جامعه پیدا نیست. ابرهای تاریک فساد، افق زندگی جوامع مسلمان را در ظلمت بی‌ایمانی و بی‌دینی فروبرده و چهره زیبای ایمان و عمل آشکار نیست؛ پس جامعه، امام را نشناخته است... .

## ۲۲ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «... مردم در نشناختن ما معذور نیستند؛ هر کس ما را بشناسد مؤمن و هر کس ما را انکار کند کافر است، و آن کس که نه ما را بشناسد و نه انکار کند گمراه است تا به هدایتی که خدا بر او واجب ساخته؛ یعنی پیروی ما بازگردد»<sup>۱</sup>.

مهر و دوستی، اگرچه خودش ذاتاً مطلوب است، ولی بیشتر روی کردن به آن به عنوان وسیله رساننده، مورد نظر است؛ چراکه برای کشش به سوی پیشوا و ارتباط و پیروی از او و به صلاح و شایستگی رسیدن، محبت راستینی لازم است و برای ایجاد محبت باید نخست، خوبان و خوبی‌هایشان را

دوره هفتم، شماره یک / ۲۳

شناخت تا مهرشان در دل جای گیرد، به همان گونه که با شناختن گمراهان و رفتار زشتشان از آنان متنفر شده و دوری می‌کنیم؛ در واقع محبت، فرزندى است که در دامن معرفت و شناسایی پرورش می‌یابد و آنگاه که معرفت و شناسایی پیشوایان حاصل شود، کشش به سوی آنان و شکل گرفتن، طبق روش آنان نیز حتمی خواهد بود. ما گفت و گو پیرامون محبت و هدف از آن را در اسلام به مقاله‌ای دیگر موكول می‌کنیم.

### خطرهای دیگر

عدم شناخت پیشوا، خطرهای اجتماعی دیگری نیز در پی دارد، آنان که پیشوای حقیقی را به‌درستی نمی‌شناسند و دوستی هاشان بر پایه‌های لرزان

۲۴ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

شناختی سطحی بنا شده است، خیلی زود بازیچه دست دزدان اندیشه و شخصیت می شوند، برای چنین مردمی به راحتی می شود حقایق را وارونه جلوه داد و از آنان علیه خودشان استفاده کرد.

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) درباره «خوارج»، آن ناآشنایان کج اندیش و پاک نمایان آلوده چنین می فرماید:

«... شما بدترین مردمانید، شیطان شما را هم چون تیر به سوی هدف های خود پرتاب کرده و جامعه را به وسیله شما به گمراهی و تردید افکنده است»<sup>۱</sup>.

---

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۲۷، ص ۳۸۳.

دوره هفتم، شماره یک / ۲۵

دشمنان اسلام همواره می‌کوشند با تبلیغات مسموم خود، راه شناخت حقایق اسلام را بر روی پیروان آن ببندند و با منحرف کردن مسیر افکار آنچه را خود می‌خواهند بر آنان تحمیل کنند. با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم که دشمن همیشه بیش از هر چیز از همین وسیله استفاده کرده است. «معاویه» با صرف بودجه‌های سنگین و تبلیغاتی پی‌گیر تلاش می‌کرد مردم را از شناختن اسلام واقعی و رهبران حقیقی بازدارد، او و عمّالش، امیر مؤمنان، علی (علیه‌السلام) را طوری معرفی می‌کردند که مردم شام ایشان را سزاوار دشنام و ناسزا پندارند و با این نیرنگ، خود را که دشمن دیرینه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اسلام بود، خلیفه مسلمانان و جانشین

۲۶ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

پیامبر (صلی الله علیه وآله) جلوه دهد و بدین ترتیب،  
بر مردم حکومت و فرمان روایی کند.  
و اینک، نمونه‌ای که به روشنی به ما می‌آموزد  
تبلیغات دشمن در پنهان ساختن حق تا کجا مؤثر  
بوده و در مقابل آشنایی فردی گمراه با «امام» چگونه  
او را تغییر داده است:

روزی یک‌تن از شامیان - همان‌ها که سال‌ها  
با دروغ‌های معاویه پرورش یافته بودند - با پیشوای  
راستین امت، امام مجتبی (علیه السلام) روبه‌رو شد،  
بی‌هیچ درنگ به بدگویی از آن گرامی و خاندان او  
پرداخت، چون ناسزاگویی‌اش پایان یافت،  
امام (علیه السلام) به او رو کرد و فرمود:

دوره هفتم، شماره یک / ۲۷

«گویا غریبی و اشتباه گرفته‌ای، اگر خشنودی و رضایت می‌جویی به تو اعطا می‌کنیم، اگر خواهشی داری برمی‌آوریم، اگر راهنمایی می‌خواهی رهنمایت می‌شویم، اگر مایلی تو را به جایی ببریم می‌پذیریم، اگر گرسنه‌ای سیرت می‌کنیم، اگر برهنه‌ای تو را می‌پوشانیم، اگر نیازمندی بی‌نیازت می‌سازیم، اگر رانده‌شده‌ای پناحت می‌دهیم و اگر حاجتی داری برمی‌آوریم، اگر اثاث سفرت را پیش ما آوری و مهمان ما باشی بهره‌مندتر خواهی بود، چون ما جایگاهی وسیع و منزلتی پر دامنه و مالی فراوان داریم.»

مردک چنان متحیر مانده بود که گویا از خوابی هولناک بیدار شده باشد، بی‌اختیار به گریه افتاد و با

۲۸ / لزوم شناخت دین و پیشوایان

شرمندگی از نارواهایی که گفته بود، عرض کرد  
«گواهی می‌دهم تو خلیفه خدا در زمینی، خدا داناتر  
است که رسالتش را در کجا قرار دهد، چند لحظه  
پیش، تو و پدرت را بیش از هر کس دشمن می‌داشتم  
و اکنون تو نزد من محبوب‌ترین مردمانی...»<sup>۱</sup>.